

چون کوه در برابر توفان غربی

غرب از نگاه امام خمینی (ره)

تهیه و تنظیم: محمدعلی روزبهانی

اشاره

برای شناختن خود و زمان و مکانی که در آن قرار داریم، ناگزیر از شناخت اصول و ریشه‌های بنیادین تفکر غربی هستیم. چه اینکه در قرون اخیر بسیاری از تحولات و مسائلی که بر جامعه ما وارد شده است، حاصل تأثیر حضور غربیان و به تبع آن تأثیر تفکر و اندیشه آنها بر متفکران و حاکمان ایرانی بوده است.

حضرت امام روح... موسوی خمینی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در جهان و مبدع بزرگ‌ترین نهضت خودیابی و بازگشت به خویش برای مسلمانان، در سخنان و آراء خویش، زوایای گوناگون عالم غربی را به دقت کاویده است و حاصل این شناخت عمیق را در اختیار ارادتمندان به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم گذارده است. آنچه در پی می‌آید، نتیجه کاوش مفهوم غرب و غرب شناسی در بیست و دو جلد صحیفه امام خمینی (ره) به عنوان میراث مکتوب آن امام راحل می‌باشد که سعی شده است خوانندگان را به اختصار، با رهنمودهای ایشان آشنا سازد.

انحطاط انسانیت در غرب

تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده؛ به جای او یک حیوان آدمکش گذاشته است! الان شما در هر جای دنیا که ملاحظه می کنید، الان هم که یک آرامشی فرض کنید در دنیا هست و جنگ‌های عمومی نیست، در هر مملکتی که می بینید، با دخالت همین آمریکا و در بسیاری از جاها. لبنان هم آدمکشی است، به دخالت آمریکا. غرب حیوان بار می آورد. آن هم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست. پیشرفت حیوانی است. تربیت انسانی نیست. در غرب تربیت حیوانی است. حکومت‌ها را می گویم؛ ملت‌ها را نمی گویم. حکومت‌ها و پرورش‌هایی که در حکومت‌ها هست، حکومت‌های انسانی نیست. غرب پیشرفت کرده، پیشرفت کرده در این که حیوان تربیت کرده! آلات قتاله درست کرده... حیوان درنده دارند درست می کنند. آلاتی هم که درست می کنند، همان چنگ و دندان حیوان درنده است؛ منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر... (ج ۸، ص ۹۶)

شما گمان نکنید که غربی‌ها پیشرفت کرده‌اند. غربی‌ها در جهات مادی پیشرفت کرده‌اند؛ لکن معنویات ندارند. اسلام و همین طور مکتب‌های توحیدی، این‌ها انسان می خواهند درست کنند؛ و غرب از این معنی به کلی بر کنار است. غرب مواد طبیعت را کشف کرده است و قوای طبیعت را کشف کرده؛ و آن هم بر ضد انسان این قوا را به کار می برد برای هدم انسانیت؛ برای هدم شهرها و ممالک. چنانکه می بینید که هر یک از این کشورها که به اصطلاح پیشرفته‌تر هستند، بیشتر انسان‌ها را در فشار قرار می دهند! ما [به] یک مملکت «پیشرفته» به اصطلاح خودشان، که عبارت از آمریکا است، گرفتار بودیم. و الان هم ممالک بسیار، گرفتار همین مملکت «پیشرفته» هستند. (ج ۸، ص ۱۰۸)

سراب شعارهای غربی (دموکراسی، حقوق بشر، آزادی)

... دموکراسی غربی‌اش فاسد است، شرقی‌اش هم فاسد است؛ «دموکراسی اسلامی» صحیح است و ما بعدها اگر توفیق پیدا کنیم، به شرق و غرب اثبات می کنیم که

این دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است، نه آنکه شما دارید و طرفدار سرمایه‌دارهای بزرگ هستید و نه این که آنها دارند و طرفدارهای ابرقدرت هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند ... (ج ۶، ص ۴۶۰)

ملاحظه کنید چیزهایی که در غرب است، چیزهای خوبی که در غرب است، ملاحظه کنید جمعیت حقوق بشر که در غرب است، ببینید چه اشخاصی هستند و چه مقاصدی دارند. اینها حقوق بشر را می خواهند ملاحظه کنند، یا حقوق ابرقدرت‌ها را؟ اینها دنبال ابرقدرت‌ها هستند و حقوق ابرقدرت‌ها را می خواهند تأمین کنند. شما ای حقوق‌دان‌های ما! ای جمعیت حقوق بشر! دنباله این حقوق‌دان‌ها نروید. (ج ۸، ص ۵۶)

خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین [غرب] وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهر آگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می کند، عده‌ای در رابطه با آن شهید می شوند، برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است؛ اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می آید، نوحه رافت و انسان‌دوستی سر می دهند. (اشاره به حکم و جوب قتل سلمان رشدی مرتد و ناشرین کتاب ضد اخلاقی و ضد دینی او). ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله، خود را روبه‌روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. (ج ۲۱، ص ۲۹۰)

راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ (ج ۲۱، ص ۳۲۸)

آزادی که غرب می خواهد، یک آزادی بی‌بندوبار است: هر که هر کاری دلش

بخوهد می کند. یک آزادی است که مخالف با اخلاق است؛ مخالف با سنن انسانی است؛ نه یک آزادی محدودی که روی قواعد و روی چهارچوب قوانین باشد. (ج ۸، ص ۹۷)

چودزدی با چراغ آید...

فلاسفه غرب الان هم محتاج به این هستند که از فلاسفه شرق یاد بگیرند. کتاب‌های ابوعلی الان هم، من گمان می کنم تا چند وقت پیش از این و الان هم همین طور، مورد استفاده طبای غرب است. قانون بوعلی رسماً تدریس می شده آنجا؛ استفاده از آن می شده. لکن این تحفه شرقی رفته غرب، غرب از آن استفاده کرد و ما خودمان گم کرده‌ایم خودمان را، بوعلی را نمی شناسیم. این برای این است که از آن وقتی که اینها راه پیدا کردند به ممالک شرق که این شاید سابقه‌اش حدود سیصد سال یا همچو چیزی باشد - درست من نمی دانم، لکن طولانی است - در همه چیز شرق مطالعه کردند. اشخاص متخصص از خارج آمد، از غرب آمد و همه جای ایران را و همه جای شرق را گردش کردند و بررسی کردند. در تاریخ هست، در همین تاریخ‌های آخری، که با شتر می رفتند این بیابان‌های ما را، همان بیابان‌های بی آب و علف هم می رفتند، با شتر می رفتند و آنجا بررسی می کردند. یک قسم از بررسی‌ها مال این بود که بفهمند چه دارد شرق. نفت را، کبریت را، هر چه که دارد، مس، آهن، این ذخایر زیرزمینی را بفهمند چه دارد و باید به چه راه اینها را به دست آورد، آنها کشف می کردند... (ج ۹، ص ۳۹۲)

غرب حيله اندیش، در کمین ماست

تمام تبلیغات برای به دست آوردن قدرت است. تبلیغات شرق و تبلیغات غرب تمامش آلوده به آن هواهای نفسانی است که انسان هرگز سیر نمی شود از آن هواها. با الفاظ خوب، با گفتار خیلی شیرین، مردم را اغفال می کنند. [از] خود مردم استفاده می کنند و مردم را به قیادت خودشان [به اسارت] در می آورند و از مردم استفاده قدرت برای خودشان می کنند. (ج ۱۴، ص ۵۳)

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه

تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده؛ به جای او یک حیوان آدمکش گذاشته است.

غرب مواد و قوای طبیعت را کشف کرده؛ و آن هم بر ضد انسان این قوا را به کار می برد برای هدم انسانیت.

سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استعمار و بردگی ملت ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند، اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام های دست نشانده و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند، ندارد. (ج ۲، ص ۷۹)

مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرت ان چپالگر بین المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی، به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد. (ج ۲۱، ص ۴۲۰)

تهاجم فرهنگی

ما پیشرفت های دنیای غرب را می پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می کنند، نه. (ج ۴، ص ۵۰۸)

حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی

(۴۳۴)

خودباختگی و وابسته شدن به غرب

این معنا به این زودی از توی مغزهایی که شست و شو شده است، چهل - پنجاه سال، بیست - سی سال و به جای مغز ایرانی مغز اروپایی آمده است، به جای فکر ایرانی فکر غربی جانشین آن شده است - این - به این زودی نمی شود رفعش کرد. این محتاج به یک طول مدتی است که فرهنگ یک فرهنگ مستقل؛ نه یک فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند. آنها برای ما دیکته کردند. فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الآن عوض شده؛ غربی شده، وقتی هم حرف می زنیم، حرفمان غربی است. وقتی اسم خیابان می گذاریم، اسم خیابان های غرب را می گذاریم؛ اسم اشخاص غربی را می گذاریم: خیابان «روزولت»! خیابان «کندی»! خیابان کذا. اینها غربزدگی است. در تمام اروپا بگردید یک خیابان «محمد رضا» پیدا نمی کنید؛ یک خیابان «نادر» پیدا نمی کنید. خیابان هایمان هم خیابان غربی است! تعارف هایمان هم با هم تعارف غربی است. آداب و معاشرتمان هم با هم، معاشرت غربی است. همه چیز ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم. این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است... (ج ۸، ص ۲۵)

ما باید سال های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم و باید از همان بچه ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی، به انسانی اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی تواند به ما ضربه بزند؛ اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم. (ج ۱۵، ص ۳۰۹)

اگر دانشگاه در خدمت غرب واقع بشود، کشور در خدمت غرب است. (ج ۱۵، ص ۴۳۰)

ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است، به ستوه آمده اند و به اسلام پناهنده شده اند. (ج ۵، ص ۵۴۱)

غرب ما را خوار کرد؛ غرب روحیات ما را از بین برد. ما را غربزده کردند؛ ما این غربزدگی را می زداییم. ما با ملت ایران، با همراهی ملت ایران، با پشتیبانی ملت ایران، تمام آثار غرب را - تمام آثار فاسده، نه آثاری که تمدن است - تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نعمات باطله غربی را خواهیم زدایید. (ج ۶، ص ۲۷۵)

در این صد سال اخیر به ویژه نیمه دوم آن... افتخار بزرگ فرنگی ماب بودن در تمام شئون زندگی؛ از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ویژه در خانم های مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن و برای همدیگران نیز مشکل می نمود! فیلم های تلویزیون از فرآورده های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سوجدجویان، به کتابخانه ها و موزه های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجله ها با مقاله ها و عکس های افتضاح بار و آسفا انگیز و روزنامه ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی، با افتخار، مردم به ویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازی ها و مشروبات الکلی به ویژه آنچه از غرب وارد می شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسک ها و اسباب بازی ها و کالاهای تجملی وارد می شد و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم. (ج ۲۱،